

دست می‌یافت و دنیای علم و دانش بیشتر بهره‌مند می‌شد. عاشر سعیداً و مات سعیداً و شهیداً و جزاه الله عن الاسلام و عن امام الثورة و عن الامة الاسلاميه خير الجزاء و حشرهما الله تعالى مع اوليائه عن الانبياء والاوليائه صلوات الله عليهم.

۱۳ آبانماه ۵۸، پرچالش ترین رویداد انقلاب اسلامی

تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۵۸ را شاید بتوان از پرچالش‌ترین رویدادهای تاریخ انقلاب دانست، رویدادی که روند انقلاب اسلامی را حتی تا چندین دهه بعد از پیروزی آن تعیین کرد و در مناسبات ایران با آمریکا و جهان تاثیر بسیار عمیقی گذاشت. ردپای این رویداد بزرگ را می‌توان در بسیاری از رخدادهای سیاست داخلی و خارجی ایران یافت. آنچه در پی می‌آید، بازکاوی چرایی و چگونگی این رویداد تاریخی است و تاثیری که در جریان‌ات بعد از خود داشت که در گفتگو با آقای حسین شیخ الاسلام (مشاور ریاست مجلس شورای اسلامی و مدیرکل فعلی امور بین‌الملل مجلس) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این گفتگو، شیخ الاسلام از فضای بین‌المللی در دو مقطع زمانی دوران تسخیر سفارت آمریکا و شرایط فعلی می‌گوید.

جماران: در زمان انقلاب که دولت مستقر شده بود و برخی کشورها، انقلاب را به رسمیت شناخته بودند و برخی نهادها مستقر شده بودند، یکسری از دانشجویان، سفارت را تسخیر کردند. چرا این اتفاق افتاد؟

شیخ الاسلام: درست است دولت موقت سرکار بود مهندس بازرگان کابینه اش را تشکیل داده بود و شورای انقلاب آن را تأیید کرده بود. ولی ما نباید اشتباه کنیم نمی‌شود ملت‌ها را از سابقه تاریخی شان برید. آمریکایی‌ها یک اشتباه بزرگ کردند به شاه که در دنیا سرگردان بود

اجازه دادند وارد آمریکا شود. با توجه به جنایات شاه نسبت به ملت و سابقه تاریخی از کودتای ۲۸ مرداد ماه که دغدغه ملت بود، ملت بسیار حساس بودند. می‌دانید که از داخل سفارت علیه دولت ملی دکتر مصدق اقدام شد. وقتی شاه در سال ۱۳۳۲ رفت، آمریکایی‌ها کودتا کردند و شاه را به ایران برگرداندند به همین دلیل شاه خود را کامل در اختیار آمریکایی‌ها گذاشت و سر امکانات این کشور چیزی آورد که در تاریخ خواندید. ژاندارم منطقه برای حفظ منافع آمریکایی‌ها بود و هم چنین جریان امن نفت در خدمت آمریکایی‌ها بود این قضیه در حافظه ی ملت ایران باقی ماند. مردم نگران بودند که نکنند آمریکا شاه را دوباره به ایران برگرداند. ملت ایران متوجه بود که این انقلاب اسلامی، نهضت ملی نیست. این مردم سال ۵۷ مردم سال ۳۲ نیستند. این امام آن دکتر مصدق نیست. ولی ما نمی‌دانستیم که آمریکایی‌ها هم این را می‌فهمند یا نه؟ اینکه آمریکایی که این اشتباه را یکبار نسبت به ملت ایران کردند آیا تکرار نخواهند کرد؟ ما درخواست کردیم شاه را به ما بدهند ندادند. اعلام کردیم شاه را می‌خواهیم تا در دادگاهی عادل که حضور بین المللی هم در آن اشکال ندارد، نسبت به جنایاتی که کرده محاکمه کنیم.

جماران: چرا دانشجویان این چنین اقدام کردند؟ آیا نمی‌شد نظام بصورت حقوقی اقدام بکند؟

شیخ الاسلام: در کشوری که قشر دانشجو از نظر سیاسی، اجتماعی فعال است طبیعی است که دانشجویان شور و حرارت بیشتری داشته باشند در سراسر دنیا چنین است. این مسئله حقوقی نبود؟ این کار را دولت نمی‌توانست انجام دهد. توسط دولت اعلام شد که می‌خواهیم محاکمه کنیم، شاه را بدهید ولی ندادند من نمی‌گویم دانشجویان همه چیز را همان طور که من و شما تفسیر می‌کنیم تفسیر می‌کردند، می‌خواهم بگویم ذهنیت ملت ایران این بود که از لانه جاسوسی به ملت ایران خیانت شده بود. آن موقع که دانشجویان این کارها را می‌کردند معلوم نبود امام پشتیبانی می‌کنند یا خیر؟ این کار شد به امید اینکه اگر امام پشتیبانی کنند بایستند و اگر نه بیرون بروند. این کار قبلاً یکبار شده بود، بعد از انقلاب، چپی‌ها و توده‌ای‌ها در آن کار دست داشتند. البته آن موقع آنها شاه را به آمریکا نبرده بودند. این عکس العمل طبیعی ملت ایران بویژه قشر پیشرو

متحرک که دانشجویان باشند به توهین چندباره آمریکایی‌ها بود که به آن‌ها حداقل بگوییم که توهین کردن به ملت ایران، کار غلطی است.

جماران: در آن زمان گروه‌های مختلفی در جامعه مستقر بودند، یکی در دولت بود، یکی در دانشگاه‌ها فعالیت می‌کرد، از نهضت آزادی تا مجاهدین خلق {منافقین} و دفتر تحکیم که شاخه‌های مختلف داشت. می‌خواهم یک جریان شناسی ارائه کنید افراد مختلف چه دیدگاهی درباره تسخیر سفارت داشتند؟

شیخ الاسلام: آن زمان من خیلی فعال نبودم. من جز دانشجویانی که لانه را اشغال کردند نبودم. من اوایل انقلاب در خارج از کشور در امریکا فعال بودم. جزو دانشجویان انجمن‌های اسلامی آمریکا و کانادا و اروپا بودم. در امریکا فعال بودم در مصاحبه‌ها ضد شاه، فعالیت‌های سیاسی و تظاهرات شرکت می‌کردم. دبیر انجمن هم بودم شناخته شده بودم. دانشجویان که این سفارت را اشغال کردند متوجه شدند که نیاز به کسی دارند که با گروگان‌ها در تماس باشد. عصر همان روز دنبال من فرستادند من شب وارد لانه جاسوسی شدم. وارد طبقه دوم شدم که سفیر و کاردار مستقر بودند. آن موقع کارم این بود که در وزارت ارشاد پاسخ مقالات انگلیسی را که به ایران اتهام می‌زدند در روزنامه‌های ایرانی بدهم. در کارهای دانشجویی آن موقع خیلی فعال نبودم که الان جریانش را برای شما بازگو کنم ولی اصل قضیه، توافق دانشجویان فعال بود. آن‌ها که جز دسته و گروهی نبودند ولی خالص و یکدست هم نبودند. اما از وقتی امام حرکت را تأیید کردند فقط امام و نظارت امام و دفتر امام مهم بود.

جماران: در امریکا چه می‌گذشت؟ فکر می‌کردند در ایران چنین اتفاقی نیفتد؟

شیخ الاسلام: جهان در قدرت مطلق آمریکا تعریف شده بود و مقداری هم کمونیست‌ها و مارکسیست‌ها که شوروی پشت آنها بود و دنیا را بین خودشان تقسیم کردند. چیزی به اسم اسلام در سیاست و صحنه بین‌المللی وجود نداشت. دنیا آن موقع اینطور بود بخصوص با نوع تئوری

مارکسیست‌ها معنویت سرکوب شده بود. در اروپا و غرب دیگر سر بلند نمی‌کرد. وقتی صحبت دین می‌شد عقب افتاده و قرون وسطایی تلقی می‌شد به همین دلیل حرکت امام در پیروزی انقلاب عجیب بود نوع رفتار امام در مصاحبه‌ها که با آرامش کامل و ادب و تربیت صحبت می‌کرد حالت معنوی خاصی داشت. پاسخی که به سئوالات می‌دادند همه جایش ایران و اسلام و خدا بود. حضور خانمها قضیه دیگری بود. اینطور تعریف شده بود که شرقی‌ها خانمها را در چادر و خانه‌ها نگه می‌دارند بعدها تظاهرات تهران را نشان می‌داد که تظاهرات خانمها با شکوه تر بود. شاه پول‌های زیادی خرج کرده بود تا ایران و خودش را به جهان معرفی کند. در آن زمان به تلویزیون‌ها آمریکا پول داد که جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را مستقیم پخش کنند. صفحه‌ی وسط مجله تایم را می‌خریدند و تبلیغ تاج گذاری و ... می‌کردند. با اینکه من در یکی از بهترین دانشگاه‌ها دنیا درس می‌خواندم از همکلاسی‌های خودم می‌پرسیدم ایران کجاست نمی‌دانستند باید توضیح می‌دادم که ایران کجاست؟ بعدها با رفتار امام از هر کسی می‌پرسید ایران کجاست می‌دانستند که کجاست و حرف اسلام را می‌زند.

بعد از انقلاب ایران معنویت جرات کرد خود را نشان دهد. لانه جاسوسی این را به اوج برد. نشان داد که ایران یکطرف است، آمریکا یکطرف دیگر. اشتباهی که امریکایی‌ها در لانه جاسوسی کردند این بود که خیال می‌کردند می‌توانند ما را زمین بزنند و از نظر تبلیغاتی قوی به مساله پرداختند. برنامه‌ای تهیه کرده بودند که روز اول، دوم و چند هفته که گروگان‌ها را گرفته بودند را نشان می‌دادند. اگر می‌دانستند ۴۴۴ روز طول می‌کشد این روش تبلیغاتی را انتخاب نمی‌کردند چون هم چنان نشان می‌داد که اینها ضعیف هستند کاری نمی‌توانند بکنند. امام ایده و فکرشان که چرا ما با آمریکا دشمن هستیم، با این رفتار به دنیا اعلام می‌کردند. اینکه ما با مردم آمریکا مشکل نداریم بلکه با جنایات آمریکا علیه ملت‌های ضعیف مشکل داریم. این پدیده عظیمی بود چون معنویت خرد شده بود امام توانستند ماده و معنا، دنیا و آخرت، دین و سیاست را بهم ربط بدهند و نشان دهند اینها یکپارچه است همان طور که نماز می‌خوانیم به خیابان می‌آئیم و تظاهرات می‌کنیم. کار سیاسی کار دینی مان است. همان طور که نماز می‌خوانیم رای می‌دهیم. کار معنوی و

اجتماعی مان یکی است. این خیلی مساله عظیمی بود چون غربی‌ها می‌فهمیدند بعد از این دنیا معنویتی وجود دارد ولی نمی‌دانستند چطور به هم ارتباط دهند به این نتیجه رسیدند که دین در زندگی فردی است و حق دخالت در زندگی اجتماعی را ندارد این را نمی‌توانستند نفی کنند ولی امام در تئوری ولایت فقیه که در انقلاب ایران پیاده شد نشان دادند همه جای دنیا اسم ایران مطرح است همه جا مسلمان‌ها فکر اسلامی و تئوری اسلام مطرح است در سازمان‌های بین‌المللی مسلمانان حضور دارند و می‌گویند اسلام این را می‌گوید. در رابطه با حقوق بشر، زن، سیاست و همه چیز، اسلام حرف دارد. حتی مسائل مهم جهان اسلام از دیدگاه ملی‌گرایی دیده می‌شد قضیه‌ی مهمی مثل فلسطین که بزرگترین ظلم به آن شده بود ملی‌گرایی عربی شده بود. در شرایط خوبش ملی‌گرایی فلسطین بود. بعد از امام، دین علی‌الخصوص اسلام و علی‌الخصوص شیعه علی‌الخصوص تئوری ولایت فقیه با این قدرت حضور یافت.

جماران: تسخیر سفارت در روند انقلاب چه اثری گذاشت؟ تاثیر آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شیخ الاسلام: فرصت مناسبی به امام داد که استکبار ستیزی را به جهان نشان دهند. چون ماهیت انقلاب ضد استکباری بود مهم است که چرا امام فرمودند انقلابی بود بزرگتر از انقلاب اول. امام که اهل غلو کردن نبود. امام عین اعتقادش را می‌گفت. شاید به اعتقاد ایشان انقلاب اول، ضد استبداد بود. ولی محدوده‌ی انقلاب دوم جهانی و ضد استکبار بود. آن مبارزه با شاه بود و این مبارزه با ظلم جهانی که فرصت طلایی در اختیار انقلاب و امام گذاشت که بواسطه تبلیغات آمریکایی‌ها، ضد ظلم و ضد استکبار بودن و طرفدار مظلوم بودن و طرفدار مستضعف بودن ملت ایران به همه دنیا اعلام شود. وقتی انقلاب پیروز شد مسلمانان احساس عزت صدر اسلام را کردند. برای همین بود که بعد از تسخیر لانه جاسوسی خیلی از مسلمانان پشت سر ما ایستادند.

جماران: در فضایی که خطرات زیادی انقلاب را تهدید می‌کرد امام چطور این فضا را مدیریت

کرد؟

شیخ الاسلام: قدرت مدیریت امام متصل به معنویت و اعتقاداتی که ایشان داشتند بود. بسیار سخت است که من تشریح کنم. واقع امر این است که امام ماهرانه مدیریت کردن موقعیت جهان و قدرت تبلیغاتی استکبار را تشریح کرده است. از قبل از انقلاب جهت ضد صهیونیستی امام روشن بود در سخنان امام هیچ گاه شاه، امریکا، اسرائیل جدا طرح نشده است. بعد از انقلاب گفتیم؛ امروز ایران فردا فلسطین. از همان اول صهیونیست‌ها مخالفت را با ما آغاز کردند و ماشین تبلیغاتی دنیا دست صهیونیست‌ها بود. توطئه‌های مختلفی علیه ما شد. در روز روشن ترور می‌کردند، جنگ را راه انداختند. محاصره اقتصادی، محاصره سیاسی، فشار تبلیغاتی، را امام با تکیه بر مردم بسیار خوب اداره کرد در عرض کمتر از چند ماه رئیس جمهور، نخست وزیر و نمایندگان مجلس و بسیاری از وزرا و... ترور شدند. در اتوبوس دو طبقه منافقین بمب می‌انداختند. در محله‌ها بچه‌های حزب الهی را ترور می‌کردند. همه این فشارهای همزمان را امام مدیریت کرد گروگان‌ها، جبهه محاصره... و امام مدیریت کرد.

جماران: آیا رخدادهایی چون جنگ و تحریم‌ها هزینه‌های تسخیر لانه جاسوسی برای کشور نبود؟

شیخ الاسلام: چرا، اگر سؤال کنید از آنچه که گذشت ما کار درستی کردیم من می‌گویم بله. ذره ای شک ندارم با وجود همه هزینه‌هایی که شده. محاصره ی سیاسی و اقتصادی و فشارها، حادثه طبس که خدا باما بود به دستاوردهای تسخیر سفارت می‌ارزید. اگر موفق می‌شدند به لانه جاسوسی بیایند همه را می‌بردند. بنی صدر فشار زیادی وارد کرد که صلیب سرخ می‌خواهد همه گروگان‌ها را ببیند. گروگان‌ها را توزیع کرده بودیم در سراسر کشور که اگر به جایی حمله کردند تنها چند تا را بگیرند. می‌دانستیم که پایگاه‌های اطلاعاتی شان دنبال گروگان‌ها است ولی بنی صدر فشار آورد که گروگان‌ها را یکجا جمع کنیم که صلیب سرخ بیاید ببیند. جالب است بدانید

گروگان‌ها تحت فشار بودند، آیت الله خامنه‌ای نماینده امام در شورای دفاع بودند تدبیر کردند و گروگان‌ها را قبل از آمدن صلیب سرخ، دیدند و دل‌جویی کردند. می‌خواستند برای آمدن صلیب سرخ همه چیز مرتب باشد. روز بعد از اینکه گروگان‌ها را دیدند آمریکایی‌ها به طبع حملیه کردند. مشخص شد که اینها که آمده بودند گروگان‌ها را دیده بودند ماموران سی‌آی‌ای بودند می‌خواستند ببینند هر گروگانی کجاست؟

جماران: شما با گروگان‌ها صحبت می‌کردید ذهینت خود گروگان‌ها در مورد عمل دانشجویان چه بود؟

شیخ الاسلام: در ابتدا فکر می‌کردند این قضیه موقت است پرخاش می‌کردند، می‌گفتند غیر عرفی است می‌گفتند امریکا ما را آزاد می‌کند. ولی بعدها ناامید شدند و حالتشان همکاری و تسلیم شد. تا اواسط کار بعضی از نیروهای ویژه می‌خواستند فرار کنند. بعد از مدتی همکاری می‌کردند و می‌فهمیدند مساله، جریان سیاسی ایران و امریکاست نه آنها.

جماران: بعد از اینکه آزاد شدند با این مسئله چطور برخورد کردند؟

شیخ الاسلام: بعضی شان دروغ گفتند. ما ۵۰ گروگان داشتیم که بعضی‌ها سن شان بالا بود ولی برای هیچ کدام مشکلی پیش نیامد. همه سالم برگشتند. برنامه‌ی هواخوری و غذای عالی داشتند. با همان وسایل وامکانات خودشان زندگی می‌کردند. می‌خواستیم غذای آنها از همان چیزهایی باشد که علاقه دارند و سرگرمشان می‌کند. کتابهای کتابخانه سفارت را می‌دادیم می‌خواندند. ورزش می‌کردند. می‌دانستند که مشکل ما با اینها نیست و قصد لطمه زدن به آنها را نداریم با آنها راجع به تاریخ بین ایران و آمریکا بحث می‌کردیم. بعضی از آنها در سر هم کردن اسناد رشته رشته شده با ما همکاری کردند.

جماران: گویا دبیرکل وقت سازمان ملل متحد آقای کورت والدهایم برای حل و فصل این

مسئله به ایران آمده بود سازمان‌های بین‌المللی بخصوص سازمان ملل متحد چه نقشی در این اثنا داشتند؟

شیخ الاسلام: سازمان‌های بین‌المللی در اختیار قدرت‌های استکباری است و تلاش می‌کردند به عنوان ابزار آمریکا برای پیش بردن اهداف امریکا عمل کنند. چون مسئله غیر عادی بود و برخورد امام و روش امام بگونه ای بود که نتوانستند تحمیل کنند. من در سفارت شخصا به آقای کورت والدهایم صحبت کردم تلاش می‌کردم یک کپی از تعدادی از اسناد سفارت را تحویل دهم اما قبول نمی‌کرد. گفتم طرفدار آزادی بیان و رفتار هستید. اینها را بخوان ببین چیست؟ در نهایت روی ماشینش گذاشت اما باز هم نگرفت. بعد آقای قطب زاده که وزیر خارجه بودند می‌خواستند به من بفهمانند که من رفتار غیر دیپلماتیک نشان دادم. در مجله تایم عکس من و آقای کورت والدهایم را طوری نشان داده بودند که من با ایشان در مشاجره ام. نظر من این بود که وظیفه دبیرکل سازمان ملل بود که این اسناد را بررسی کند بر اساس این اسناد به ما خیانت شده است. از هر فرصتی برای بیان مظلومیت ملت و جنایتی که آمریکا به ما کرد استفاده می‌کردیم. آمدن اینها هم این خاصیت را داشت حرکت دانشجویان به این دلیل بود که می‌خواستند شاه را بگیرند تا محاکمه کنند.

جماران: شما هم اکنون به عنوان کارشناس حوزه بین‌الملل فعالیت می‌کنید در حال حاضر با توجه به استقرار نظام، برخی دانشجویان رفتارهایی شبیه آن زمان نشان می‌دهند مثل حمله به سفارت. اینگونه رفتارها را در شرایط فعلی چطور می‌بینید؟ اصلا درست است؟

شیخ الاسلام: نمی‌توانم نسخه ی آره یا نه بپیچم. اصولی که آن زمان بود الان هم درست است. آن اصول این بود که ما تابع امام بودیم تابع ولایت فقیه هستیم. این کار را اگر ایشان تأیید نکنند متوقف می‌شود. با درک و جو انقلابی آن موقع آن اصول هنوز هم درست است. ولی دانشجویان الان به پختگی بیشتری رسیدند قدرت ما در دنیا فرق کرده است نسبت به سفارتخانه‌ها آن دیدگاه را نداریم. جنایتی که آمریکا کرد دیگر سفارتی ندارد که بخواهند انجام دهند.

کشورهای دیگر هم زوری را که زمان شاه به ما اعمال می کردند، ندارند. ما تسلط اطلاعاتی خوبی روی سفارتخانه‌های موجود داریم. باید شرایط را سنجید. آری یا نه نمی توانم بگویم ولی اینقدر بگویم که هر چه ولی فقیه گفت همان است.

جماران: در رابطه با مناسبات بین ایران و آمریکا صحبت کنید با توجه به تمام گذشته‌ی ما این مسئله را چطور می بینید؟

شیخ الاسلام: در شرایط فعلی با همه فضایی که هست، باز هم ما پیروزیم. از آن موقع ما توازن قدرت را در منطقه به همه نشان دادیم. آن موقع شاه با پول ایران، نوکری آمریکا را می کرد و جریان نفت را برای آمریکا کنترل می کرد الان آمریکا مجبور شده با خرج خودش اینکار را بکند در ۸ کشور که در خلیج فارس هست، در ۷ کشورش نیروی نظامی دارد. الان امریکایی کشته می دهند ولی آن موقع سرباز ایرانی کشته می داد و نیروی دریایی قوی علیه آمریکا به وجود آمده که جریان نفت را کنترل می کند تا بر دنیا حکومت کند ولی آن موقع شاه و آمریکا این کار را می کردند. آن موقع که اسرائیل داشت از نیل تا فرات را می گرفت خاورمیانه را تهدید می کرد. در مقابل حزب الله قوی شده است که اینک یکی از طرفداران انقلاب اسلامی است. توازن قوا در دنیا بهم خورده است. واقعیتش اینست که اساس این ساختار زور است به همین دلیل است آنهایی که زور بیشتری دارند حق دارند در سازمان ملل حق و تو داشته باشند. چون این زور بمب اتم دارد اگر نتوانست چیزی را که می خواهد بدست آورد، از بمبش استفاد می کند. در این منطقه اسرائیلی ساخته بودند تا همه بترسند الان برعکس شده و اسرائیل از ما می ترسد. سید حسن نصر الله می گوید اگر درگیری شود هیچ جا برای اسرائیلی ها امن نیست. الان قدرت ایران با قبل قابل مقایسه نیست. یکطرف دنیا ما هستیم یکطرف دیگر امریکاست. یکطرف ظلم و جور و اشغال و جنگ است طرف دیگر عدالت، اخلاق معنویت و ما هستیم.